



روزنامه جوان | شماره ۷۱۱ |

ورزش‌ر

سرویس ورزشی، ۸۸۹۹۴۳۴

گفت‌وگوی «جوان» با امیررضا خادم نماینده سابق مجلس درباره ثبت‌نام چهره‌های ورزشی در انتخابات مجلس

یک ورزشکار مدیر می‌تواند در مجلس موفق باشد

ثبت‌نام انتخابات مجلس در شرایطی هفته گذشته به پایان رسید که حضور چهره‌های شاخص ورزشی در بین نامزدها چشمگیر بود، طوری که خیلی‌ها تحلیل کردند که بعد از حضور ورزشکاران در شوراها، حالا صندلی سبز بهارستان برای ورزشی‌ها جذابیت پیدا کرده است و به همین خاطر هم بود که از ورزشکار معروف گرفته تا مدیر و گزارشگر ورزشی با پر کردن فرم‌های ثبت‌نام می‌خواهند شانسشان را برای رسیدن به مجلس امتحان کنند. کاری که پیش از این امامعلی حبیبی و امیررضا خادم دو کشتی‌گیر مشهور ایران انجام داده‌اند و بر صندلی قانونگذاری نشسته‌اند. اولین بار پس از اجرای اصلاحات ارضی محمدرضاشاه، انتخابات بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی برگزار شد. همان انتخاباتی که خبرهای فراوانی مبنی بر کاندیداتوری غلامرضا تختی در آن به گوش

گفت‌وگو
سعید احمدیان

آقای خادم، شما پس از امامعلی حبیبی دومین قهرمان ورزشی هستیید که وارد مجلس شدید، از تصمیم‌تان در دهه ۸۰ برای ورود به بهارستان صحبت می‌کنید.

پس از تجربه ریاست فدراسیون کشتی و همچنین دعوت گروه‌های سیاسی به این تصمیم رسیدم که می‌توانم در حوزه‌های ورزش، فرهنگ و جوانان سا حضور در مجلس منم‌ر ثمر باشم. معتقد بودم می‌توانم با رفتن به مجلس، علاوه بر بعد نظارتی در حوزه ورزش، زمینه‌ساز فعالیت‌های تأثیرگذاری در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی بود و به همین دلیل در انتخابات شرکت کردم.

پس از ورود به مجلس در چه حوزه‌هایی بیشتر فعالیت داشتید؟

با توجه به اینکه منتسب به گروه و جریان خاصی نبودم با عضویت در فرآکسیون فرهنگی و کمیته‌های ورزش و جوانان و البته گردشگری سعی کردم که در این بخش‌ها مباحث اجرایی را دنبال کنم. به خصوص در حوزه فرهنگ سعی کردم با طرح‌های پیشنهادی حمایت‌های خوبی از اهالی فرهنگ و هنر صورت بگیرد و زمینه فعالیتشان را تسهیل کند.

شما یک قهرمان ورزشی بودید و با توجه به این موضوع، ورزشی‌ها آن روزها انتظارات زیادی از شما داشتند، در بحث ورزش عمده کارهایی که توانستید در مجلس انجام دهید چه بود؟

پیش از ۸۲ رقم پیشنهادی بودجه ورزش رقم قابل توجهی نبود و به همین خاطر افزایش بودجه ورزش را مطرح کردم. در این زمینه موفق هم بودیم و توانستیم در همان سال اول حضور در مجلس، با رایزنی‌هایی که انجام شد، بودجه ورزش را از ۷۸ میلیارد به رقم ۲۰۰ میلیارد رساندیم و رشد بیش از ۴ برابری بودجه اختصاص یافته برای ورزش را شاهد بودیم. در بعد نظارتی هم چون مانند امروز وزارت ورزش هنوز شکل نگرفته بود و سازمان تربیت بدنی بود، نمی‌توانستیم نظارت مستقیمی بر عملکرد این سازمان داشته باشیم و آنها پاسخگو نبودند. باین حال سعی می‌کردیم با تعامل کارها را پیش ببریم و پیشنهادهای لازم را ارائه می‌کردیم.

۱۲ سال بعد از روزهایی که شما به مجلس رفتید، امسال هم برای انتخابات مجلس آینده، چهره‌های زیادی از جامعه ورزش ثبت‌نام کرده‌اند، چهره‌هایی که می‌خواهند جای پای شما بگذارند، برخی از این تصمیم ورزشکاران انتقاد کرده‌اند و بعضی‌ها هم

ف

هر فردی قصد خدمتگزاری در مجلس یا شورا را دارد، باید حداقل سابقه چند سال کار اجرایی و مدیریت داشته باشد و با روند مدبریتی معمول در کشور آشنا باشد. کسی که این ملزوم را نداشته باشد، با تصورات امانگرایانه وارد مجلس و بحث قانونگذاری می‌شود

تصمیم‌ساز کشور حضور فعال داشته باشند. مجلس هم یکی از این بخش‌هاست. به عقیده من صرف ورزشی بودن یا نبودن ملاک نیست، بلکه داشتن بینش سیاسی و حقوقی مقوله‌ای است که نامزد‌های مجلس چه حالا ورزشکار و چه غیر آن باید داشته باشند تا بتوانند در جایگاه نمایندگی مضم‌ر ثمر باشند.

یعنی یک قهرمان ورزشی تنها به محبوبیت و شهرتش نظر برای راهیابی به مجلس نباید اکتفا کند؟

قطعاً همین طور است. هر فردی قصد خدمتگزاری در مجلس یا شورا را دارد، باید حداقل سابقه چند سال کار اجرایی و مدیریت داشته باشد و با روند مدیریتی معمول در کشور آشنا باشد. کسی که این ملزوم را نداشته باشد با تصورات امانگرایانه وارد مجلس و بحث قانونگذاری می‌شود. اشکال نگاه امانگرایانه این است که سبب می‌شود، فرد نتواند شناخت درستی از تنگناها و مشکلات پیدا کند. به همین خاطر هم خیلی



از تصمیم‌ها و برخوردهای او دور از واقعیت‌های موجود است و نمی‌تواند شناخت درستی از وضعیت موجود داشته باشد و در جریان تصمیم‌گیری‌های حساس تأثیر گذار باشد.

پس جامعه ورزش هم نمی‌تواند از چنین نماینده‌ای انتظار کمک به بخش ورزش را داشته باشد؟

طبیعی است که چنین اتفاقی نمی‌افتد. بحث شناخت و آشنایی به زمینه‌ای که قرار است آن فرد فعالیت کند از الزامات نمایندگی است. کسی که سابقه اجرایی نداشته و بینش حقوقی و سیاسی ندارد، به طور حتم در مباحث مربوط به قانونگذاری که در مجلس بحث می‌شود، نمی‌تواند ورود پیدا کند. به همین دلیل هم داشتن حداقل‌هایی از حوزه اجرایی و قانونگذاری برای ورزشکارانی که می‌خواهند نامزد شوند ضروری است تا بتوانند به انتظارهایی که از آنها می‌رود، جامه عمل بپوشانند و کارنامه موثقی داشته باشند.

راسماً اعلام کرده‌است. بهنام‌محمودی اولین لژیونر و ایبل ایران در ایتالیا امیدوار است به عنوان دومین نفر از جامعه ورزشکاران پس از انقلاب اسلامی به بهارستان برود.

آرش میراسماعیلی

پرچمدار کاروان کشورمان در المپیک آتن نتوانست در انتخابات شورای شهر موفق شود. آرش میراسماعیلی قهرمان دوره‌وجودچهارین بار به عنوان نامزد مجلس شورای اسلامی از زادگاهش خرم‌آباد کاندیدا شده است.

حسن میرزاآقاپیک

پیشکسوت بسکتبال است اما برای حضور در سیاست تلاش می‌کند. میرزا آقاپیک نامزد انتخابات دوره چهارم شورای شهر بود.

محمد فتایی

قضاوت فینال جام جهانی ۱۹۹۴ را بسپاری از فوتبال دوستان به خاطر دارند. محمد فتایی کارشناس داوری نامزد انتخابات شورای شهر بود.

بهنام ابوالقاسم پور

بازکن سابق پرسپولیس و سابقاً به رغم انتظاری که داشت نتوانست در انتخابات شورا‌ها رأی بیاورد.

محمود خسروی‌وفا

نفر اول ورزش جانبازان و معلولان است. محمود خسروی‌وفا رئیس فدراسیون جانبازان و کمیته ملی پارالمپیک یک دوره عضو شورای شهر تهران بود.

ناصر حجازی

اسطوره فقید استقلال تنها ورزشکاری است که برای رئیس جمهور شدن تلاش کرد. مرحوم ناصر حجازی در سال ۸۴ نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد اما صلاحیتش تأیید نشد.

محمد مایلی‌کهن

منتقد همیشگی مربیان خارجی با وجود آنکه ید طولایی در انتشار بیانیه‌های اعتراضی دارد اما هنوز نتوانسته در عرصه سیاست برای خودش جایگاهی دست و پا کند. محمد مایلی‌کهن در هشتمین دوره انتخابات مجلس کاندیدا شد اما برخلاف انتظار پایش به بهارستان باز نشد.

فریدون اصفهانیان

داور فوتبال بوده و حالا عضو شورای شهر زنجان است.

کرسی مجلس سقف آرزوی‌تان نباشد

پارا از گلیم خود درازتر کردن همیشه هم نمی‌تواند بد باشد. اما به شرط آنکه که با تدبیر و هدفگذاری باشد نه از سر رسیدن به پست و مقام یا اندیشیدن به مسائل مالی.

خانه ملت، جایی است که این روزها ورزشی‌ها برای نشستن روی صندلی‌های آن پا را از گلیم خود درازتر کرده و قصد کوچ کردن از دنیای ورزش به دنیای سیاست را دارند. ساختمانی وسیع در بهارستان که چشم‌امید ملتی به حل مشکلاتشان در آن است. جایی که هر کس به آن وارد می‌شود، مسئولیتی سنگین بر شانه‌هایش گذاشته می‌شود. وظیفه‌های خطیری و سنگین که تنها دلیل انتخاب هر یک از افرادی است که به این ساختمان وارد می‌شوند.

حضور ورزشی‌ها در دنیای سیاست اگر چه غریب اما خیلی هم عجیب نیست. خصوصاً وقتی هر روز شاهد حضور افراد سیاسی در دنیای ورزش هستیم. مردانی که برای حل مشکلات و برداشتن سدهای سر راه تغییر مسیر می‌دهند و از دنیایی، وارد دنیایی متفاوت می‌شوند. این البته نشان می‌دهد می‌توان با یک تعامل دو جانبه و برخی جایجایی‌ها گاهی بسپاری از مشکلات را از سد راه برداشت. اما مهم این است که این رفت و آمدها و تعامل‌ها با چه هدفی انجام می‌شود. با هدف حل مشکلات یا رسیدن به شهرتی که در دنیای مقابل سیاست و ورزش وجود دارد. یا شاید هم رانت‌های کوچک و بزرگی که گاه حتی به ذهن عامه مردم نمی‌رسد؟ در واقع آن چیزی که در این بین مهم است، نگاه‌آنهاپی است که وارد این عرصه می‌شوند. در روزهایی که مردان سیاست هر روز بیش از قبل به حضور در ورزش علاقه‌نشان می‌دهند، این کوچ متقابل چندان هم عجیب نیست. خصوصاًکه همواره طرفین بر این باور هستند که در آن سوی مرزهای اختیارانشان، راحت‌تر می‌توان کار کرد و نتیجه گرفت. اما شاید مهم‌ترین نقطه مثبت حضور ورزشکاران در دنیای سیاست، خصوصاً حضور در مجلسی که نفرات آن را ملت برمی‌گزینند برای حل مشکلاتشان، این باشد که دغدغه ورزش و سلامت جامعه می‌تواند به دغدغه‌های مجلس تبدیل شود. خصوصاً که مردم با توجه به شناخت و علاقه‌ای که ورزشکاران دارند، بهتر از مردان سیاست می‌توانند با آنها ارتباط برقرار کرده و در خصوص مسائل و مشکلاتشان صحبت و تبادل نظر کنند. از سوی دیگر ورزشکاران در لباس مردان سیاست هم که باشند، با مسائل و مشکلات ورزش بهتر و بیشتر آشنایی دارند و این شناخت می‌تواند به حل مشکلات جامعه ورزش و ورزش جامعه کمک شایانی کند. مقوله‌ای که به طور مستقیم با سلامت جامعه در ارتباط است.

طی سال‌های گذشته، حضور ورزشکاران در ساختمان بهارستان یا حتی شورا‌های شهر توانسته اندکی از مشکلات ورزشی مردم را حل و فصل کند. مردمی که به واسطه از تباط نزدیک و عاطفی با ورزشکاران مشکلات خود را بیان کرده و به رسم بچه محل بودن هم که شده، توانسته‌اند کلید حل این مشکلات را به دست آورند. هر چند که این مساعدت‌ها باید با پارافران از نگاه محلی گذاشته و به حل مشکلات بزرگ‌تر ورزش در سطح کشور منجر شود. بدون شک مجلس به حد کافی مردان کاربلد در سیاست را دارد. مردانی که شناخت خوبی از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند و حال، حضور ورزشکاران می‌تواند این نوید را بدهد که مجلسی‌ها در زمینه ورزش هم اگر تصمیم‌گیری می‌کنند، تصمیماتی تخصصی و از روی شناخت کافی باشد.

از آنجایی‌که ورزش از الزامات یک جامعه‌است که می‌تواند سلامت افراد را در وهله اول تضمین کرده و راهی باشد برای افتخارآفرینی در دنیا در گام بعدی، حضور ورزشکاران در عرصه سیاست می‌تواند راه را در این زمینه هموار سازد، اما به شرط آنکه نشستن روی صندلی‌های مجلسی‌آخر آمال و آرزوهای ورزشکارانی نباشد که برای رسیدن به این جایگاه تلاش می‌کنند و حل مشکلات جامعه ورزش و مردم، هدف این تصمیم‌گیری باشد. هدفی که انتظار می‌رود کاندیداهای ورزشی چیزی بیش از شعارهای دل‌فریب و زیبا برای آن مهیا کرده باشند و با دست بر برای راهی شدن به ساختمان خیابان بهارستان تلاش کنند. در غیر این صورت اگر قرار است به صندلی‌های مجلس با دیده صندلی‌های پارک و از سر تفنن نگاه شود، همان به که مردان ورزش در دنیای ورزش باقی مانده و سیاست را به مردان سیاست واگذارند.



از پله تا آرنولد، سیاست زیر نقاب ورزش

نزدیک شدن سیاستمداران به چهره‌های ورزشی به خصوص ستاره‌های بزرگ ورزش امری است طبیعی و موضوعی است که بارها دیده شده‌است. سیاستمداران بزرگ دنیا همواره سعی می‌کنند با

علاقه‌مند نشان دادن خود به ورزش و ورزشکاران مقبولیت خود در جوامع را بالا ببرند اما عکس این مسئله نیز صادق است چراکه هستند ورزشکاران نامداری که بعد از دوران بازی‌نشستگی با استفاده از محبوبیت دوران حرفه‌ای خود وارد عرصه سیاست می‌شوند، نامدارانی که حتی در عرصه سیاست هم چهره ورزشی‌شان یاد را دارند. افراد معروف و مشهور زیادی را می‌توان یافت که با چهره‌های ورزشی سرز از سیاست در آورده‌اند، نامداران بزرگ ورزش دنیا که سیاسی شدند.

پله

ادسون آرنانس دوناسیمتو، ملقب به پله فوتبالیست افسانه‌ای برزیل از جمله ورزشکارانی است که حضور در عرصه سیاست را تجربه کرده است. او در سال ۱۹۷۷ از دنیای فوتبال خداحافظی کرد و از سوی انریکه کارووسو رئیس‌جمهور برزیل به عنوان وزیر ورزش این کشور انتخاب شد.

زیکو

یکی دیگر از اسطوره‌های فوتبال جهان زیکو است. این ستاره صاحب‌نام برزیلی به مانند دیگر اسطوره فوتبال جهان یعنی پله، دستنی در سیاست داشت. او هم از نسوی فرناندو دومبو، رئیس‌جمهور وقت برزیل به عنوان وزیر ورزش انتخاب شد و یک سال در این سمت فعالیت کرد.

ژرژ واه

بی‌هیچ تردیدی ژرژ واه بازیکن لیبرایی، یکی از سرشناس‌ترین فوتبالیست‌های تاریخ فوتبال آفریقا و یکی از نامدارترین آفریقایی‌های فوتبال جهان است. او در در سال ۲۰۰۵ از انتخابات ریاست جمهوری لیبریا نامزد شد و موفق شد به دور دوم راه یابد، اما در نهایت شکست خورد. واه در سال ۲۰۱۴، به عنوان نامزد حزب کنگره برای تغییر، موفق شد به سنای لیبریا راه یابد.

آندره شفچنکو

یکی دیگر از ستاره‌های فوتبال دنیا که پس از خداحافظی وارد دنیای سیاست شد شفچنکو است. او در جولای سال ۲۰۱۲ اعلام کرد به‌خاطر حضور در عرصه سیاست فوتبال را کنار می‌گذارد. او در اکتبر همان سال در انتخابات پارلمان اوکراین شرکت کرد اما حزبی‌ش در انتخابات شکست خورد و کاپیتان تیم ملی او کراین نتوانست به پارلمان راه یابد.

آرنولد شوارتزینگر

او یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌ها در رشته زیبایی‌اندام و تولد تر است. اوسال‌های زیادی به عنوان یک جمهوری‌خواه در امریکا فعالیت داشته و سلبقه فرمانداری کالیفرنیا را دارد. شوارتزینگر فقط در ورزش و سیاست فعالیت نداشته بلکه فعالیت‌های سینمایی متعددی با بازی وی در هالیوود ساخته شده است.

عمران خان

ستاره سابق رقابت‌های کریکت به یکی از سیاستمداران پاکستان تبدیل شده است. عمران خان کاپیتان تیم ملی کریکت پاکستان بود. او در سال ۱۹۹۴ از دنیای ورزش اعلام بازنشستگی کرد و وارد عرصه سیاست شد، او حزب جدیدی با نام PTI پایه‌گذاری کرد و ۲۷ کرسی در پارلمان پاکستان به دست آورد.

جان راینان

او یک مدافع با استعداد در مسابقات فوتبال امریکایی بود که بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ وارد عرصه سیاست شد، جان راینان به عضویت جمهوری خواهان درآمد و وارد کنگره امریکا شد.

کنت درایدن

ورزشکار کانادایی قهرمان دوره۶ از لیگ حرفه‌ای هاکی در این کشور است، او در سال ۲۰۰۴ و پس از پیروزی در انتخابات به حزب لیبرال کانادا ملحق شد و خیلی زود وارد پارلمان شده و پس از آن به عنوان وزیر توسعه اجتماعی انتخاب شد. البته در ایند در سال ۲۰۱۱ کرسی خود را در پارلمان از دست داد.